

Critical discourse analysis of the poems of Salman Harati in the two collections "From the Green Sky" and "A Door to the House of the Sun" based on Norman Fairclough's theory

abstract

This article examines the relationships between power, identity, and ideology in the poetry of Salman Hedayat in two collections: "From the Green Sky" and "A Door to the House of the Sun," with an emphasis on Foucault's theory. This research aims to analyze Hedayat's poetry at three levels: description, interpretation, and explanation, in order to explore how power structures are reflected and critiqued in the global arena and the emerging ideology prevailing in society. Salman Hedayat is regarded as one of the prominent figures of the poetry of the Islamic Revolution. His poetry is committed, sincere, and unadorned. Through very simple verses, Hedayat addresses unparalleled human values and profound spiritual concepts, with much of his work being socially oriented. The findings indicate that Hedayat, using his poetic language, has endeavored to elucidate the social, cultural, and political issues of his time. Through the presentation of specific images and symbols, he critiques inequalities and social harms. At the descriptive level of this research, the extent of Hedayat's influence and interaction with critical discourse is examined. This study, by comparing the themes and linguistic styles of Hedayat's poetry with Foucault's theory, illustrates how language serves as an invaluable tool for expressing dissatisfaction and seeking social justice while reflecting the social and political discourses shaped within their specific historical and cultural contexts.

Keywords: Harati, critical discourse analysis, image, Fairclough.

تحلیل گفتمان انتقادی اشعار سلمان هراتی در دو دفتر «از آسمان سبز» و «دری به

خانه خورشید» بر اساس نظریه نورمن فرکلاف

فخرالدین گوهری^۱، خدابخش اسداللهی^۲

۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

چکیده

این مقاله به بررسی روابط قدرت، هویت و ایدئولوژی اشعار سلمان هراتی در دو دفتر «از آسمان سبز» و «دری به خانه خورشید» با تأکید بر نظریه فرکلاف می‌پردازد. در این تحقیق، با تحلیل اشعار هراتی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، تلاش شده است تا شیوه بازتاب و نقد ساختارهای قدرت در عرصه جهانی و ایدئولوژی نوپای حاکم در جامعه مورد بررسی قرار گیرد. سلمان هراتی از چهره‌های سرآمد شعر انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. شعر او متعهد، صمیمی و بی‌پیرایه است. هراتی با ابیات بسیار ساده ارزش‌های بی‌بدیل انسانی و مفاهیم عمیق روحانی را مطرح می‌کند و اغلب شعرهای او اجتماعی است. نتایج نشان می‌دهد که هراتی با استفاده از زبان شاعرانه خود، به تبیین مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمانه خود همت گماشته، از طریق ارایه تصاویر و نمادهای خاص، به نقد نابرابری‌ها و آسیب‌ها پرداخته است. در سطح توصیف این تحقیق، به واکاوی میزان تأثیر و تأثر هراتی از گفتمان انتقادی پرداخته شده است. این مطالعه با تطبیق مضامین و شیوه‌های زبانی اشعار هراتی با نظریه فرکلاف، بیان می‌کند که چگونه زبان به عنوان ابزاری بی‌بدیل برای نشان دادن نارضایتی و جستجوی عدالت اجتماعی به کار می‌رود و گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی را که در بستر تاریخی و فرهنگی خاص خود شکل گرفته‌اند، بازتاب می‌دهد.

کلمات کلیدی: هراتی، تحلیل گفتمان انتقادی، تصویر، فرکلاف.

۱- مقدمه

تحلیل گفتمان یک شاخه از مطالعات بین رشته‌ای است که در دهه‌های اخیر وارد عرصه علوم اجتماعی، علوم سیاسی، ادبیات و ... شده است. این گفتمان ریشه در تأویل گرایی، هرمنوتیک، زبان‌شناسی و جنبش انتقادی ادبیات دارد. تأکید رویکرد گفتمان انتقادی بر این نکته است که چه کسی، در چه موقعیتی و با چه هدفی از زبان بهره می‌گیرد. نظریه پردازانی مانند پراون^۱، یول^۲ و فرکلاف^۳ برای اثبات نظریه تحلیل گفتمان کوشیده‌اند. در رویکرد فرکلاف، متون در سطوح توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل می‌گردند.

بسیاری از آثار ادبی، محیط زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی زمانه خود را بازتاب می‌دهند. زندگی و احوال اجتماعی شاعران نیز خواسته و ناخواسته و به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه بر آثاری که شاعر به وجود می‌آورد، تأثیر می‌گذارد. زیبایی‌ها و نازیبایی‌ها، موافقت‌ها و کشمکش‌ها و پررنگ شدن یا نشدن نقش دین و مذهب باعث اعتلاء یا پسرفت در جامعه می‌شود. شاعران در تأیید یا انتقاد از وضع موجود را در آثار خویش بیان می‌کنند.

هراتی در کنار اشاره به معنا و اندیشه، تا حدودی به واج‌آرایی و تصویرسازی نیز توجه دارد و به عبارتی تصویر در خدمت مضمون و اندیشه شاعرانه قرار دارد. او مضامین و صور شعری خود را در حوزه اجتماعی و انسانی به تصویر کشیده است. درونمایه‌های اشعارش مفاهیمی چون وطن دوستی، انتظار، جنگ و مبارزه، حماسه، انفاق، شهید و شهادت، طبیعت، مقاومت، عاشورا، زادروز و دین باوری و مذهب را شامل می‌شود. تنوع ساختار اشعار هراتی مرهون خلاقیت‌های بی‌بدیل شاعرانه اوست. در اشعار سلمان، طبیعت سهم به سزایی در خلق نمادها دارد و آن بیشتر به جهت تولد و بالندگی او در دل طبیعت است. او با هر لحظه رویش بهار، قد کشیده و بالنده شده، نفس او در نفس‌های جنگل گره خورده و آنچه از طبیعت در شعرهای او آمده حاصل تخیل و درک او با حواس پنج‌گانه‌اش می‌باشد. او

1. Brown
2. Yule
3. Fairclough

با جنگل آواز می‌خواند و با شکوفه کردن درختان، ذوق و طبع او هم شکوفا می‌گردد. (نظری و

نیک‌آیین، ۱۳۹۴: ۱۲۵)

روش نورمن فرکلاف به سبب توجه به روابط قدرت در گفتمان و پرداختن به ایدئولوژی جنبه انتقادی دارد و در مقایسه با روش‌های دیگر تحلیلی، به تبیین مطلوب‌تر رابطه متن با جامعه می‌پردازد. در رویکرد «کرس»^۴ و علاقه زیادی به توصیف، تحلیل و نظریه‌پردازی در مورد رسانه‌های نشانه‌ای به خصوص رسانه‌های دیداری دارد. «ون-دایک»^۵ هم تلاش می‌کند به جای استفاده از تعبیر «تحلیل گفتمان انتقادی»^۶ برای ارجاع به رویکردهای انتقادی به گفتمان، اصطلاح «مطالعات گفتمانی انتقادی» را به کار ببرد. (محقق، ۱۳۹۵: ۱۲) «فرکلاف با استفاده از این رویکرد، چگونگی ارتباط میان معنا و لفظ را در ساختار زبانی گفتمان بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه کلمات و ترکیب‌های زبانی، ایدئولوژی، ساختار قدرت و روابط سیاسی را منعکس می‌کند و پدیدآورنده‌ی گفتمان، چگونه آگاهانه یا ناخودآگاه، گرایش‌ها و اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیک خود را در کلمات و جمله‌ها آشکار می‌کند. شرایط سیاسی و اجتماعی هم با متن ارتباط دوسویه دارد و به همین سبب گفته می‌شود که گفتمان، به زمینه شکل می‌دهد و از عوامل زمینه‌ای نیز شکل می‌پذیرد.» (رک یورگنسن، ۱۳۸۹: ۶۶)

در این مقاله بنا هست تصاویر و ابعاد مضامین اجتماعی و انقلابی شعری هراتی از منظر توصیف، تفسیر و تبیین و بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی شود تا علاوه بر مطالعه‌ی ادبی و درون متنی تصاویر شعری او، رابطه آنها نیز با برون متن معلوم گردد، همچنین نشان داده شود که گفتمان شاعر تحت تأثیر کدام ایدئولوژی‌ها و سویه‌های قدرت قرار می‌گیرد.

4. Kress

5. Van Dyke

6. Critical Discourse Analysis

۱-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی اشعار سلمان هراتی بر اساس نظریه نورمن فرکلاف، از چند جنبه حائز اهمیت است. اولاً، شعر به طور طبیعی به عنوان یک فرم ادبی، بازتاب‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه است. از این رو با تحلیل گفتمان انتقادی، عمق معانی و مضامین نهفته و چگونگی تعامل زبان و قدرت در زمانه و اشعار او به دست می‌آید. این تحلیل به روشن شدن چالش‌ها و نابرابری‌های موجود اجتماعی زمانه هراتی کمک می‌کند. ثانیاً، نظریه فرکلاف، زبان را به عنوان یک سازوکار اجتماعی که در شکل‌دهی به هویت‌ها و ایدئولوژی‌ها نقش دارد، در نظر می‌گیرد. با استفاده از این نظریه، پژوهش حاضر ضمن بازخوانی آثار ادبی و شاعرانه‌ای چون اشعار هراتی می‌تواند الهام‌بخش نسل جدیدی از فعالان اجتماعی و فرهنگی باشد و به بررسی چگونگی تأثیرگذاری اشعار هراتی بر شکل‌گیری هویت جمعی و فردی در جامعه ایرانی بپردازد و نشان دهد که چگونه این اشعار به عنوان ابزاری نیرومند برای مقاومت و نقد قدرت عمل کنند.

۲-۱ پرسش‌های پژوهش

۱. گفتمان انتقادی چیست و چگونه می‌تواند به تحلیل شعر سلمان هراتی کمک کند؟
۲. رویکرد نورمن فرکلاف در تحلیل متون ادبی چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه می‌توان آن را در شعر هراتی مطابقت داد؟
۳. آیا سلمان هراتی توانسته است که درک عمیق تری از مسایل اجتماعی و فرهنگی را در اشعار خود شکل دهد؟
۴. پیامدهای فرهنگی و اجتماعی استفاده از تصاویر در شعر هراتی چیست؟

۳-۱ فرضیه

۱. استفاده از تصاویر در شعر سلمان هراتی به عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی عمل می‌کند و می‌تواند پیام‌های عمیق‌تری را درباره وضعیت جامعه و فرهنگ آن زمان منتقل کند.

۲. رویکرد نورمن فرکلاف، با تأکید بر رابطه زبان و قدرت، می‌تواند به تحلیل نحوی استفاده از تصاویر در شعر هراتی کمک کند و نشان دهد که چگونه این تصاویر به تقویت یا تضعیف گفتمان‌های غالب اجتماعی کمک می‌کند.

۳. تحلیل گفتمان انتقادی در شعر سلمان هراتی نشان می‌دهد که او از صور خیال برای ایجاد یک فضای معنایی چندلایه استفاده کرده است که خوانندگان را به تفکر عمیق‌تری درباره مسائل اجتماعی و فرهنگی دعوت می‌کند.

۴. گفتمان انتقادی در شعر هراتی می‌تواند نشان‌دهنده تضاد میان فردیت و جمعیت باشد، جایی که تصاویر به عنوان نماینده احساسات فردی در مقابل ساختارهای اجتماعی غالب عمل می‌کند.

۴-۱ روش پژوهش

این مقاله، دو دفتر شعری «از آسمان سبز» و «دری به سوی خورشید» را بر پایه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی نورکلاف تحلیل می‌کند. ابتدا موضوعات کلی و محوری بحث مشخص شده، سپس نمونه‌های شاهد مثال از دو مجموعه‌ی شعری مربوطه انتخاب می‌گردد. کار اصلی پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی بر پایه همین شواهد صورت می‌باشد.

۵-۱ پیشینه پژوهش

تاکنون پایان‌نامه‌ها و مقالاتی مختلفی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در خصوص بررسی متون ادبی صورت پذیرفته است؛ اما از آنجا که بحث‌های پیرامون این حوزه تا حدودی نو قلمداد می‌شوند، به تحقیق بیشتری در این حیطه نیاز دارد. از این رو به معرفی اجمالی برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه پرداخته می‌گردد.

فقیه ملک مرزبان و فردوسی (۱۳۹۳) در «تحلیل گفتمان انتقادی صوفیانه در گلستان سعدی» به بررسی این کتاب بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته است. او در این تحقیق از نظریه‌ی هالیدی برای تحلیل متن و فرکلاف برای تبیین ابعاد گوناگون فرهنگی و اجتماعی و ارتباط آن با متن نظر در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین استفاده کرده است.

حسینی سروری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای یکی از قصاید مشهور سنایی غزنوی را بر اساس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی کرده است.

نظری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی اشعار سلمان هراتی در پردازش معنا و تصویر پرداخته، معتقد است: شعر سلمان در حوزه شعر ارزشی و انقلابی قابل بررسی است.

قنبری و فیروزیان (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «تحلیل گفتمان انتقادی رمان چشم‌هایش از بزرگ علوی بر اساس نظریه نورمن فرکلاف» معتقد است: که تجربه نویسنده از جهان اجتماعی بر اساس تقابل‌های دوگانه شکل گرفته است. بر این اساس دال‌ها و عناصر دو گفتمان متفاوت چپ و راست، تابعی از اوضاع سیاسی-اجتماعی پیرامون آن است.

صابری مقدم و شریفیان (۱۴۰۲) در «تحلیل انتقادی گفتمان انوری در قطعه والی گدا» بدین باور است: در این قطعه در سطح توصیف، چگونگی تبیین ایدئولوژی و فکر شاعر با ایجاد روابط همنشینی و گاهی تضاد و متناقض و برقراری ارتباط بین واژگان تحلیل شده است.

با توجه به پژوهش‌های ذکر شده باید گفت در خصوص تحلیل گفتمان انتقادی در اشعار سلمان هراتی بر مبنای نظریه نورمن فرکلاف تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

۲- چارچوب نظری پژوهش

مبنای نظری این مطالعه، نظریه تحلیلی گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است. تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه

۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم-نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی، بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار نوشتار ظهور کرده است. (فرکلاف ۱۳۷۹: ۷) فرکلاف گفتمان را از غیرگفتمان جدا می‌داند. گفتمان، بستری برای ظهور مفاهیم اجتماعی است. در این بستر، اظهارات و مطالب بیان شده گویای گزاره‌هایی درباره چگونگی، زمان و مکانی است که این مطالب بیان شده است. «گفتمان از نظر فرکلاف، کنش زبانی در ارتباط با سایر بخش‌های اجتماع است.» (خسروی نیک، ۱۳۹۷: ۷۹)

قدرت و سلطه در تحلیل انتقادی گفتمان بحث می‌شود، منتهی این بحث در خصوص نفس قدرت نیست بلکه بهره‌گیری ناصواب از سلطه و قدرت است که این موجب برتری قومی بر قوم و دسته دیگری می‌گردد. از دیدگاه او این گونه استنباط می‌شود که گفتمان در ارتباط متقابل با ساختارهای اجتماعی و فرایند ایدئولوژیک قرار دارد. در تحلیل گفتمان از طریق تکیه بر مفاهیمی چون قدرت و ایدئولوژی در کنار عواملی مانند بافت قدرت، روابط تاریخی، نهادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از سطح توصیف به سطح تبیین می‌رسیم. «قدرت برتری طلبانه گروه‌های تحت سلطه را به انجام اعمالی و می‌دارد که انگار این اعمال طبیعی، عادی یا صرفاً برپایه ی توافق و اجماع بوده است» (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۱۳)

موضوع دیگری که در تحلیل گفتمان مطرح می‌باشد، بحث ایدئولوژی است. امروزه ایدئولوژی مجموعه‌ای از اندیشه‌هایی است که به تشریح و سنجش مسائل اجتماعی می‌پردازد. در تحلیل انتقادی، ما میزان تلاش ایدئولوژیک یک نویسنده یا گوینده را برای حفظ هنجارهای اجتماعی یا تغییر وضع موجود شاهد هستیم. همچنین در بستر گفتمان انتقادی ما عنصر زبان را هم داریم که از طریق آن به بافت فرهنگی و تاریخی متن سوق داده خواهیم شد.

۲- ۱ مدل سه بعدی فرکلاف

در الگویی که فرکلاف ارائه داده، هر نمونه از کاربرد زبان را رویدادی ارتباطی می‌داند که در یک مدل سه بعدی تحلیل می‌شود. مدل سه بعدی فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی، ابزاری برای بررسی نحوه شکل‌گیری روابط قدرت و ایدئولوژی در متون است. «فرضیه‌ی ما این است پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۸) این مدل شامل سه سطح تحلیل است: توصیف، تفسیر و تبیین.

سطح توصیف: در این سطح، بر ویژگی‌های زبانی متن تمرکز می‌شود. تحلیل‌گر به بررسی ساختار واژگانی، نحوی، و معنایی متن می‌پردازد. این شامل بررسی انتخاب لغات، ساختار جملات، نوع فعل‌ها و دیگر عناصر زبانی است که به درک معنای متن کمک می‌کنند.

سطح تفسیر: در این سطح، تحلیل‌گر به بررسی چگونگی درک متن توسط مخاطبان می‌پردازد. این شامل در نظر گرفتن دانش زمینه‌ای، پیش‌فرض‌ها، و باورهای مخاطبان است که بر تفسیر آنها از متن تأثیر می‌گذارد. همچنین در این سطح، به دنبال یافتن نشانه‌هایی از ایدئولوژی‌های مختلف و روابط قدرت در متن هستیم.

سطح تبیین: در این سطح، تحلیل‌گر به بررسی چگونگی تأثیر متن بر ساختارهای اجتماعی می‌پردازد. به عبارت دیگر، به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه متن به شکل‌گیری، تثبیت یا تغییر روابط قدرت، ایدئولوژی‌ها، و ساختارهای اجتماعی کمک می‌کند.

مدل سه بعدی فرکلاف به تحلیل‌گران گفتمان کمک می‌کند تا با بررسی دقیق ویژگی‌های زبانی متن، نحوه تفسیر و درک آن توسط مخاطبان، و تأثیر آن بر ساختارهای اجتماعی، به درک عمیق‌تری از روابط قدرت و ایدئولوژی در گفتمان دست یابند.

۲-۲ انواع سطوح تحلیل از نظر فرکلاف

مدل سه بعدی فرکلاف در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) به بررسی ارتباط بین زبان، قدرت و جامعه می پردازد. این مدل شامل سه بعد اصلی است که به تحلیل گفتمان کمک می کند:

۱. بعد متن^۷: این بعد به خود متن یا گفتار اشاره دارد. در این مرحله، تحلیل گر به بررسی ساختار زبانی، واژگان، جملات و ویژگی های بیانی می پردازد. هدف در اینجا شناسایی نحوه استفاده از زبان برای انتقال معنا و تاثیرگذاری بر مخاطب است.

۲. بعد کنش اجتماعی^۸: این بعد به فرآیند تولید و مصرف متن می پردازد. در این مرحله، تحلیل گر به بافت اجتماعی و فرهنگی که متن در آن تولید شده است، توجه می کند. این شامل بررسی نحوه توزیع قدرت، نقش رسانه ها و کنشگران اجتماعی در تولید معنا و گفتمان ها می شود.

۳. بعد بافت اجتماعی^۹: این بعد به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی گسترده تر که بر تولید و مصرف گفتمان تاثیر می گذارند، می پردازد. در اینجا، تحلیل گر به بررسی روابط قدرت، نهادها، هنجارها و ارزش های اجتماعی می پردازد که بر شکل گیری گفتمان ها تاثیر می گذارند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷ و ۹۸)

این سه بعد به هم مرتبط هستند و فرکلاف معتقد است که برای درک عمیق تر گفتمان ها، باید به هر سه بعد توجه کرد. تحلیل گفتمان انتقادی با استفاده از این مدل به بررسی چگونگی بازتولید و تغییر قدرت در جامعه از طریق زبان می پردازد و به تحلیل نحوه تاثیرگذاری گفتمان ها بر هویت ها و روابط اجتماعی کمک می کند.

۳- شرایط سیاسی و اجتماعی (وقوع انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی)

شرایط سیاسی، اجتماعی از سال ۱۳۵۷ تا پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، دوره ای پرتنش و تحول ساز در تاریخ معاصر ایران است. وقوع انقلاب اسلامی باعث تغییرات

7. Text

8. Discursive Practice

9. Social Practice

عمده‌ای در ساختار اجتماعی ایران شد. بسیاری از نهادهای اجتماعی قدیمی از بین رفتند و نهادهای جدیدی مانند جهاد، بسیج و کمیته‌های انقلاب اسلامی تحت تأثیر مرام و تفکر اسلامی شکل گرفتند. سینما، ادبیات و هنرهای تجسمی همگام با ارزش‌های اسلامی تغییر جهت دادند. جنگ ایران و عراق موجب مهاجرت و آوارگی بخشی از ایرانیان درگیر در شهرهای جنگی شد. زنان در انقلاب و جنگ نقش فعالی ایفا نمودند. این دوره از تاریخ ایران نه تنها به دلیل وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بلکه به دلیل تغییرات عمیق اجتماعی و فرهنگی که به همراه داشت، تأثیرات بلندمدتی بر جامعه ایرانی گذاشت. این تحولات باعث شکل‌گیری هویت جدیدی برای ایرانیان شد که تا به امروز ادامه دارد. یکی از پدیده‌های مهمی که در جهت‌دهی فکری نویسندگان و شاعران در دوران اخیر تأثیر داشت و به نوعی خالق ادبیات مقاومت و پایداری در کشور ما شده، مسأله‌ی دفاع مقدس است که در فاصله زمانی ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ اتفاق افتاده است. ادبیات پایداری و دفاع مقدس در دوران جنگ رونق گرفت. نویسندگان و شاعران به توصیف واقعیت‌های جنگ و مقاومت پرداختند. در زمینه‌هایی همچون شعر، نمایشنامه، فیلمنامه، داستان، رمان و ادبیات کودک و نوجوان حرف‌های تازه‌ای گفته شد. این ادبیات با پشتوانه هویت دینی و آرمانی خود، در بسط و گسترش جهان‌بینی الهی نیز موثر بوده است.

۳-هراتی و نقد موضوعات اجتماعی

سلمان هراتی شاعری است که در آثارش به نقد موضوعات اجتماعی نیز پرداخته است. او با استفاده از زبان و تصاویر ملموس، به مسائل مختلفی از جمله شرایط اجتماعی زمان خود اشاره کرده است. هراتی با نگاهی نو و جسورانه، از عامیانه‌ترین واژه‌ها برای بیان مفاهیم دینی و اجتماعی استفاده کرده و ارزش‌های انسانی را برجسته می‌کند. هراتی در اشعار خود به نقد شرایط نابسامان جامعه، پدیده غرب‌زدگی و تأثیر آن بر جامعه و فاصله طبقاتی می‌پردازد. او برای بیان مفاهیم اجتماعی از نمادها و تصاویر استفاده می‌کند که به درک بهتر مفاهیم کمک می‌کند و با نگرش نو و جسورانه‌ای به مسائل اجتماعی می‌پردازد و از کلمات عامیانه برای بیان مفاهیم عمیق استفاده می‌نماید. او در شعری با

عنوان «زمستانی دراز» به بیان رنج و سختی‌های ناشی از شرایط اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. در اشعار دیگرش به مسائلی مانند فقر، بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی اشاره می‌کند و با استفاده از نمادهایی مانند «خون» و «گل سرخ» به بیان مفاهیم اجتماعی می‌پردازد.

۴- بررسی و بحث

۴-۱ سطح توصیف

در این سطح، متن جدا از سایر متون و زمینه و شرایط اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحلیل‌گر با توجه به واژگان و ساخت‌های متن، به دنبال سر نخ‌ها و سوژه‌هایی از عناصر رابطه‌ای و بیانی موجود در متن است. مضامین و تصاویر شعری شامل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تأکید و تکرار خبر، جملات خبری و متناقض‌نما است.

۴-۱-۱ تشبیه

پیوند مشابهت بین دو امر یا بیشتر را که در صفت یا صفاتی مشترک باشند، تشبیه می‌نامند. در تشبیه، کلام از سطح عادی به سطح ادبی ترقی می‌یابد. در تشبیه دو طرف امر با هم وجه اشتراک دارند. تشبیه آن است که چیزی را به چیزی در صفتی مانند کنیم. (همایی، ۱۳۸۱: ۲۲۷) سلمان هراتی در اشعارش از تشبیه اضافی، تشبیه اسنادی، تشبیه مفصل، تشبیه مجمل و به اعتبار طرفین مشبه حسی؛ مشبه به حسی، مشبه عقلی؛ مشبه به حسی، مشبه حسی؛ مشبه به عقلی، مشبه عقلی و مشبه به عقلی استفاده می‌کند.

کنار شب می‌ایستم

چشم بر شمد سورمه‌ای آسمان می‌اندازم. (هراتی، ۱۳۶۸: ۵)

در اینجا آسمان با تشبیه اضافی به انسانی مانند شده که پارچه سرمه‌ای به رو انداخته است. شاعر با توصیف «کنار شب» و «شمد سورمه‌ای آسمان»، فضایی رازآلود و شاعرانه خلق می‌کند. شب به عنوان نماد آرامش، سکوت و تفکر، می‌تواند به جستجوی معنا و شناخت درونی اشاره داشته باشد. این تصویرسازی به مخاطب احساس نزدیکی به طبیعت و جهان را منتقل می‌کند. چشم‌انداز به آسمان، نماد جستجو برای امید، آرزو یا حقیقت است. آسمان سرمه‌ای به عمق و گستردگی وجود اشاره می‌کند. همچنین ممکن است به

احساس تنهایی یا انزوا در برابر عظمت کیهان نیز دلالت کند. این تضاد بین فرد و جهان بزرگتر، موضوعی رایج در شعر معاصر است.

-بهار غنچه سبزی است
که مثل لبخند باید

بر لب انسان بشکفتد. (هراتی، ۱۳۶۸: ۲۱)

در این شعر تشبیه مفصل به کار رفته است. شاعر از واژه‌های ساده و زیبا استفاده کرده است که احساسات عمیق و مثبت را منتقل می‌کند. انتخاب واژه «بهار» می‌تواند نشان‌دهنده یک ایدئولوژی مثبت‌نگر باشد که به انسان‌ها امید و انگیزه می‌دهد. غنچه سبز به عنوان یک تمثیل برای انسان‌ها و لبخند به عنوان نمادی از شادی و خوشحالی به کار رفته است. شعر به‌طور غیرمستقیم به روابط قدرت میان انسان‌ها اشاره دارد. شکفتن غنچه سبز بر لب انسان می‌تواند نمادی از آزادی بیان و ابراز احساسات باشد.

-من مثل عصر روزهای دبستان

پر از کسالت و تردیدم. (هراتی، ۱۳۶۴: ۶۳)

در این تشبیه مشبه حسی، مشبه به عقلی است. شاعر با استفاده از واژه‌هایی مانند «عصر»، «دبستان»، «کسالت» و «تردید» به خوبی احساسات و وضعیت روحی خود را منتقل می‌کند. انتخاب این واژه‌ها نشان‌دهنده حالتی از ناامیدی و کسالت است که فرد در آن قرار دارد. کسالت و تردید ممکن است ناشی از انتظارات اجتماعی یا فشارهای شغلی باشد.

مثل غروب عمیقی گالش

با ما بگو

وقتی که در نماز می ایستی

پشت حصار ترس هجوم گرگ

چه می‌کاری؟ (هراتی، ۱۳۶۴: ۴۵)

در گیلگی به چوپان گالش می‌گویند. شاعر ضمن استفاده از نمادهای بومی، طبیعت و رمانتیسم، چوپان را به غروب عمیق تشبیه کرده است.

۴-۱-۲ جملات خبری

میزان توجه و تمرکز شاعر یا نویسنده از به کارگیری وجه خبری گویای آن است که شاعر یا نویسنده در جایگاه اطلاع‌دهنده واقع شده است و برای اطلاع رساندن به مخاطب از شعر به مثابه ابزاری قاطع استفاده کرده است. بسامد بالای وجه اخباری، قطعیت متن را بالا می‌برد و نشان دهنده‌ی میزان پابندی نویسنده به حقیقت گزاره-هاست. (جویباری، ۱۳۹۴: ۲۳۴)

-دنیا در بستر نیرنگ

آرمیده است. (هراتی، ۱۳۶۴: ۸۹)

در این بند، وجه اخباری و کارکرد گفتمانی آن نشان می‌دهد که گوینده به وجود و یا عدم حالتی که از آن خبر می‌دهد، اطمینان دارد. شاعر با استفاده از واژه‌های «دنیا»، «بستر» و «نیرنگ» مفاهیم عمیق و پیچیده‌ای را به تصویر می‌کشد. واژه «دنیا» به معنای کلیت زندگی و جامعه است، در حالی که «بستر» به فضایی اشاره دارد که در آن این زندگی شکل می‌گیرد. واژه «نیرنگ» بار معنایی منفی دارد و نشان‌دهنده‌ی فریب، تزویر و عدم صداقت در روابط انسانی و اجتماعی است. نیرنگ به عنوان یک ابزار فریب، نشان‌دهنده‌ی سوءاستفاده از قدرت و نابرابری‌های اجتماعی است.

-آه دهانم

دهانم

از بوی گوشت مرده لزوج شده است. (هراتی، ۱۳۶۸: ۸)

واژه «آه» به عنوان یک علامت از اندوه و درد، نشان‌دهنده‌ی وضعیت روحی شاعر است. تکرار دهانم می‌تواند به نوعی تأکید بر این احساسات باشد و نشان‌دهنده‌ی ناتوانی در بیان احساسات یا تجربیات تلخ باشد. شعر نقدی بر وضعیت اجتماعی و سیاسی دارد. بوی گوشت مرده به فساد و نابرابری‌های به جا مانده از گذشته در جامعه اشاره دارد.

۴-۱-۳ تأکید و تکرار خبر

تکرار برخی از واژه‌ها در اشعار هراتی زیاد است. واژه‌هایی مانند خورشید، شهید جنگل سبز، آفتاب و ... زیاد استفاده می‌شود.

-جریب جریب زحمت است و حسرت

و سهم ناصرخان

هکتار هکتار محصول است و استراحت؟ (هراتی ، ۱۳۶۸: ۱۶)

واژه زحمت نمایانگر تلاش و کوشش انسان‌هاست، در حالی که حسرت احساس ناامیدی و عدم تحقق آرزوها را نشان می‌دهد. شاعر با استفاده از عبارات جریب جریب زحمت و هکتار هکتار محصول، به تضاد بین زحمت و نتیجه‌گیری اشاره می‌کند. شاعر به وضوح به نقد وضعیت اجتماعی و اقتصادی پرداخته است. اشاره به سهم ناصرخان می‌تواند نشان‌دهنده نابرابری‌های اجتماعی باشد که در آن برخی افراد از منابع بیشتری نسبت به دیگران بهره‌مند هستند.

۴-۱-۴ مجاز

مجاز از موضوعات ادبی‌ای است که از زمان پیدایش علوم بلاغی به جهت ارتقای رسایی و تأثیر سخن در نزد شنوندگان به آن می‌پرداختند. «سکاک می‌گوید مجاز کلمه‌ای است که در غیر ماوضع له استعمال شود با قرینه‌ای که از اراده کردن معنی حقیقت در این نوع، گوینده را منع کند. با ذکر مجاز حقیقت هم مطرح می‌شود و برای فهمیدن مجاز ابتدا باید حقیقت را دانست.» (سکاک، ۱۴۰۷: ۱۶۱) «در ادبیات مرسوم است که واژه‌ها و جملات را در معنی اصلی به کار نبرند اما اولاً باید قرینه‌ای وجود داشته باشد تا مقصود آن جملات فهمیده شود و ثانیاً باید بین معنای اولی (حقیقی) و معنای ثانوی (مجازی) لغت رابطه‌ای وجود داشته باشد که این رابطه را علاقه می‌گویند؛ یعنی مناسبت و پیوندی که دو چیز با هم دارند و همین پیوند سبب جابجایی آنها می‌شود.» (ثروتیان، ۱۳۸۳: ۱۵۴)

-وقتی جنوب را بمباران کردند

تو در ویلای شمالی‌ات

برای حل کدام جدول بغرنج

از پنجره به دریا نگاه می‌کردی؟ (هراتی ، ۱۳۶۴: ۵۳)

شاعر در اینجا کل را ذکر و اراده جزء کرده است.

-و با زبان مان مدت هاست

با ذکر بسم الله بیعت کرده‌اند. (هراتی، ۱۳۶۴: ۹۳)
شاعر در اینجا نیز کل را ذکر و اراده جزء کرده است.

-سازمان هواشناسی

همیشه گزارش معتدل به دنیا می‌دهد. (هراتی، ۱۳۶۴: ۸۴)
شاعر در اینجا محل را ذکر و اراده حال کرده است.

-انباری از براده آهن و اتم

که یک بار در ناکازاکی و هیروشیما بارید. (هراتی الف، ۱۳۶۴: ۳۶)
مجاز به علاقه مایکون از براده‌های آهن و اتم که به بمب تبدیل می‌شوند و بر سر
مردم رها خواهند شد، سخن گفته است.

۴-۱-۵ استعاره

نوعی از مجاز است که به جهت شباهت در یکی از صفات، لفظی به جای لفظ دیگر
قرار می‌گیرد. استعاره هنری‌ترین شکل مجاز است که تخیل شاعرانه را به اوج می‌رساند
و در زیبایی‌شناسی ادبی بسیار اهمیت دارد. «هیچ کدام از صور خیال شاعرانه به اندازه
استعاره، در آثار ادبی به ویژه شعر اهمیت ندارند و صورت تکاملی و تلخیص شده‌ی هر
تشبیه زیبا و مورد قبول، سرانجام به استعاره می‌انجامد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)
استعاره در شعرهای سلمان هراتی بسامد بالایی دارد و تقریباً در اغلب شعرهای او
می‌توان استعاره را دریافت. تعداد استعاره‌های شعر نسبتاً زیاد است. استعاره‌ها بیشتر از
نوع تشخیص و جاندار هستند.

۴-۱-۵-۱ استعاره مصرحه:

استعاره به کار بردن واژه ای به جای واژه دیگر به علاقه مشابَهت است یا تشبیهی
است که از آن فقط مشبه به جا مانده باشد؛ مانند شیر که استعاره از فرد شجاع و نرگس
که استعاره از چشم است. به این نوع استعاره استعاره مصرحه می‌گویند. (شمیسا، ۱۳۷۰:

(۱۴۵)

-هفتاد و دو آفتاب

به ادامه انتشار کهکشان
از روشنان مشرق زمین
برآمدند. (هراتی، ۱۳۶۴: ۶۳)
هفتاد و دو تن از یاران کربلا مانند آفتاب از مشرق طلوع کردند.

-باید به آن طایفه پشت کرد
که دل خورشید را شکستند. (هراتی، ۱۳۶۴: ۲۳)
در اینجا شاعر مشبه را که امام است را نیاورده و مشبه به یعنی خورشید را ذکر کرده
است.

برزگر قدیمی این دشت
وقتی که کشت را در خطر دید
در باغ بذر حادثه افشانند. (هراتی، ۱۳۶۴: ۱۲۵)
شاعر به شخصیت برزگر قدیمی اشاره می‌کند که نماد تجربه، دانایی و ارتباط عمیق
با زمین و طبیعت است و به عنوان یک فرد فعال در این فضا، نشان‌دهنده‌ی نقش افراد
در شکل‌دهی به سرنوشت خود و جامعه‌شان است. عمل او در افشاندن بذر حادثه
نشان‌دهنده‌ی واکنش به تهدیدات و چالش‌هاست. بذر حادثه به عنوان یک استعاره،
نشان‌دهنده‌ی آغاز یک تغییر یا تحول است.

۴-۱-۵-۲ استعاره مکنیه

«در استعاره مکنیه، مشبه را ذکر می‌کنند نه مشبه به را و آن را در دل و ضمیر خود به
جاننداری تشبیه می‌سازند و سپس برای آنکه این تخیل به خواننده منتقل شود، یکی از
صفات یا ملائمت آن جاندار را در کلام ذکر می‌کنند. مثل دست روزگار که در آن مشبه
روزگار همراه با یکی از ملائمت مشبه به یعنی انسان که دست باشد، آمده است. به آن
قسمت که گوینده در ضمیر خود روزگار را به انسان تشبیه کرده است، استعاره مکنیه
می‌گوییم.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۵۵)

-ترس تولد آفتاب
رعشه بر اندام خواب می‌افکند. (هراتی، ۱۳۶۸: ۱۸)

عبارت ترس تولد آفتاب نشان‌دهنده‌ی تضاد میان امید و نگرانی است. آفتاب به عنوان نماد روشنایی، زندگی و آغاز جدید، در کنار ترس قرار می‌گیرد که نشان‌دهنده‌ی عدم اطمینان و اضطراب است. در اینجا ترس به عنوان یک احساس انسانی و رعشه به عنوان یک احساس فیزیکی و عاطفی به تصویر کشیده شده است که بر اندام خواب تأثیر می‌گذارد.

-گردبادهای مسموم می‌آیند

و می‌روند

تا باور باغ را می‌چاله‌کنند. (هراتی، ۱۳۶۸: ۳۴)

در اینجا نیز شاعر با تعبیر باورباغ، استعاره زیبایی را رقم زده است.

۴-۱-۶ کنایه

کنایه عبارت یا جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد اما قرینه صارفه‌ای هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند، وجود نداشته باشد. (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۳۵)

-ناگاه آن حرامی

با بغض و وسوسه چرخید

با خنجرش

فرق منور خورشید را شکافت. (هراتی، ۱۳۶۴: ۲۰)

حرامی کنایه از ابن ملجم و فرق منور خورشید کنایه از سر امام علی (ع) است.

-جنگل به نام تو می‌روید

جنگل به نام تو می‌رویاند

در فصل رستن و رستن

جنگل قیامت است. (هراتی، ۱۳۶۴: ۴۰)

این شعر کنایه از میرزا کوچک خان جنگلی است.

-جایزه صلح را

به رجال یک چشم می‌دهید

و امنیت را در خاورمیانه اعلام می‌کنید. (هراتی، ۱۳۶۴: ۸۶)

رجال یک چشم کنایه از یکی افراد مشهور رژیم صهیونیستی است که یک چشم داشت و مدعی دریافت جایزه صلح بود.

-امسال سال موش است

سالی که هزار نقشه برای مردم کشیدی

و نیرنگ را

در محضر موش اعظم تلمذ کردی. (هراتی، ۱۳۶۴: ۹۱)

شاعر آدم‌های ترسو را با کنایه به موش مانند می‌کند و موش اعظم نیز در اینجا

کنایه از آمریکا است

۴-۱-۷ تحلیل واژگانی

تحلیل واژگانی به بررسی زبان و معنا در متون می‌پردازد، اما رویکردها و اهداف متفاوتی دارند. این نوع تحلیل شامل موارد زیر است: ۱. بررسی اینکه چرا نویسنده یا گوینده از واژه خاصی استفاده کرده است و این انتخاب چه تأثیری بر معنا دارد. ۲. واژه‌ها ممکن است معانی مختلفی داشته باشند. تحلیل واژگانی به بررسی این معانی و نحوه تأثیر آن‌ها بر درک متن می‌پردازد. ۳. بررسی اینکه چگونه واژه‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و چگونه این ترکیب‌ها معنا تولید می‌کنند. ۴. برخی واژه‌ها بار معنایی خاصی دارند که می‌تواند احساسات یا ایدئولوژی‌های خاصی را منتقل کند.

۴-۱-۸ تناقض‌نما

تناقض به عنوان یکی از عناصر خیال‌انگیز نمودن شعر همواره مورد استفاده شاعران قرار گرفته است. شاعر با استفاده از تناقض، مفاهیم عام و کلی را بیان می‌کند و از بیان مستقیم و ساده طفره می‌رود. هراتی از تناقض‌ها برای بیان محتوا و اندیشه‌های خود استفاده می‌کند و آن را وسیله‌ای برای آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی قرار می‌دهد.

-از بی‌خطی

تا خط مقدم (هراتی، ۱۳۶۴: ۷۰)

شاعر با واژه‌های بی خطی و خط مقدم تعبیر متناقض‌نما می‌سازد. پارادوکس‌های شاعر کارکرد دوگانه دارند؛ یعنی هم تأثیر فکر و اندیشه شاعر را باز می‌تاباند و هم واقعه را جلوی دیدگان مخاطب به تصویر می‌کشد.

-با سکوت هم صدا شو

تا بشنوی. (هراتی، ۱۳۶۴: ۱۱۱)

با سکوت هم صدا شدن تعبیر متناقض‌نمایی است که شاعر برای آراستن کلام خود استفاده می‌کند. سکوت به خودی خود پذیرای صدا نیست و شاعر در سکوت می‌خواهد هم کلام و هم صدا شود؛ یعنی در سکوت خیلی از حرف‌ها گفته خواهد شد.

۵-تفسیر

در مرحله تفسیر آشکار می‌شود که فاعلان در گفتمان صاحب استقلال نیستند. در این مرحله، تلاش می‌گردد تا پیش فرض‌هایی که برای بررسی یک متن است، مورد تحلیل قرار بگیرد. ارزش ویژگی‌های متنی تنها با واقع شدن در تعامل اجتماعی است که جنبه واقعی می‌یابد و از نظر اجتماعی نیز عملی می‌شود. در اینجا است که متون بر اساس پیش فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم بخشی از دانش زمینه‌ای که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر می‌شوند این مرحله دوم کار ما یعنی تفسیر خواهد بود. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۴)

۵-۱ تلمیح

تلمیح در لغت دیدن، نظر کردن و آشکار ساختن است و در اصطلاح علم بدیع «اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است به شرطی که آن اشاره تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در بر نگیرد.» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۵) از تلمیحات معمولاً استفاده سیاسی-اجتماعی می‌شود (مانند حافظ) یعنی تلمیح فقط به صرف تلمیح بودن به کار نمی‌رود. (همان، ۲۳) تلمیح یک عنصر برون‌متنی و عبارت است از اینکه شاعر در شعر به داستان یا افسانه یا واقعه‌ای تاریخی و یا آیه و حدیثی اشاره کند.

من همان بلال الکنم

در تلفظ تو ناتوان. (هراتی، ۱۳۶۴: ۱۲۲)

شاعر از یکی از اسطوره‌های اذان گویی یعنی بلال حبشی نام می‌برد که نقل شده از تلفظ برخی از کلمات نیز ناتوان بوده است. با استفاده از نماد بلال، شاعر به نوعی نقد اجتماعی را مطرح می‌کند. شاعر با بیان ناتوانی خود در تلفظ، به ضعف‌های موجود در جامعه، عدم توانایی در بیان حقیقت‌ها یا حتی فراموشی ارزش‌های تاریخی اشاره دارد.

—و من آری من

برای بلقیس قصیده نمی‌گویم. (هراتی، ۱۳۶۴: ۱۲)

شاعر بلا تأکید بر «من» در ابتدای شعر، هویت فردی خود را به عنوان یک بیانگر احساسات و افکار معرفی می‌کند. در واقع، شاعر به وضوح می‌گوید که او یک فرد مستقل است و برای کسی غیر از خود (بلقیس) شعر نمی‌نویسد. بلقیس در این شعر نمادی از عشق، زیبایی، یا حتی ایده‌آل‌های اجتماعی است. با این حال، شاعر به صراحت اعلام می‌کند که برای بلقیس قصیده نمی‌گوید. این می‌تواند به معنای عدم تمایل به پیروی از انتظارات اجتماعی یا عاشقانه باشد و نشان‌دهنده‌ی نوعی نافرمانی یا عدم وابستگی به الگوهای مرسوم است.

—آدم را میل جاودان شدن

از پله‌های عصیان بالا برد

و در سرایشی دلهره‌ها توقف داد. (هراتی، ۱۳۶۴: ۷۰)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ

فَعَوَى (سوره طه، آیه ۱۲۱)

در این شعر، شاعر به بررسی مفهوم جاودانگی و چالش‌های انسانی می‌پردازد. میل جاودان شدن به جستجوی انسان برای فرار از مرگ و دستیابی به ابدیت اشاره دارد. این میل می‌تواند نشان‌دهنده‌ی آرزوهای عمیق انسانی باشد، اما در عین حال با عصیان که به معنای نافرمانی و شورش است، تضاد دارد. عصیان به عنوان نماد نافرمانی، نشان‌دهنده‌ی تلاش انسان برای شکستن قید و بندها و جستجوی آزادی است. اما در نهایت، توقف در سرایشی دلهره‌ها نشان‌دهنده‌ی محدودیت‌ها و ترس‌هایی است که انسان را در مسیر

زندگی متوقف می‌کند. این تضاد به نقد جامعه‌ای اشاره دارد که مانع تحقق آرزوهای افراد می‌شود.

۲-۵ بینامتنیت

بینامتنیت (Intertextuality) مفهومی است که به ارتباط و وابستگی متون به یکدیگر اشاره دارد. این مفهوم به این معناست که هیچ متنی به‌طور مستقل وجود ندارد و همواره تحت تأثیر متون دیگر، زمینه‌ها و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. «از نظر من، بینامتنیت عمدتاً شیوه‌ای برای ثبت شدن تاریخ در ماست؛ ما، دو متن، دو سرنوشت، دو روان. بینامتنیت شیوه‌ای است که تاریخ را به ساختارگرایی و متن‌ها و تفسیرهای یتیم و تنه‌ایش وارد می‌کند.» (کریستوا، ۱۳۸۹: ۱۶۴)

تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بر بررسی چگونگی شکل‌گیری معانی در متن‌ها و گفتمان‌ها تأکید دارد. در این راستا، بینامتنیت به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در تحلیل گفتمان به شفاف‌سازی ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کمک می‌کند.

فرکلاف بر این باور است که متون نه تنها معانی خاصی را منتقل می‌کنند، بلکه تحت تأثیر متون قبلی نیز قرار دارند. بنابراین، تحلیل گفتمان باید به دنبال شناسایی این روابط بینامتنی باشد تا بتواند درک عمیق‌تری از معانی و ایدئولوژی‌های موجود در متن ارائه دهد. بینامتنیت به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه معانی در متن‌ها بازسازی می‌شوند. او معتقد است که گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌ها در تعامل با یکدیگر تغییر می‌کنند. از آنجا که بینامتنیت به شناسایی روابط قدرت و ایدئولوژی‌های موجود در متن‌ها کمک می‌کند، تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند از این مفهوم برای نقد ایدئولوژی‌های حاکم استفاده کند. با بررسی نحوه‌ی ارجاع به متون دیگر و تأثیر آن‌ها بر فهم و تفسیر واقعیت، ساختارهای قدرت موجود را می‌توان به چالش کشید. بینامتنیت همچنین می‌خواهد به تحلیل سیاست‌های زبانی کمک کند. فرکلاف بر این باور است که زبان نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط، بلکه ابزاری برای اعمال قدرت است. بررسی روابط بینامتنی نشان می‌دهد که

چگونه زبان در خدمت ایدئولوژی‌های خاص قرار می‌گیرد و چگونه این ایدئولوژی‌ها از طریق زبان بازتولید می‌شوند.

ما از خویش پرسیدیم

زیستن یعنی چه؟

و یاد گرفتیم بگوییم

توکلت علی الله. (هراتی، ۱۳۶۴: ۳۷)

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا. (سوره توبه، ۱۲۹)

این دو متن به نوعی با هم در ارتباط هستند و می‌توانند معانی و مفاهیم عمیق‌تری را به مخاطب منتقل کنند. شاعر در این شعر به وضوح از مفهوم توکل به خدا که در آیه قرآن آمده، استفاده کرده است. این اقتباس نشان‌دهنده تأثیر عمیق آموزه‌های دینی بر تفکر شاعر است. شعر با پرسش از معنای زیستن آغاز می‌شود و این نشان‌دهنده جستجوی انسانی برای درک زندگی و هدف آن است. این جستجو در نهایت به نتیجه‌ای می‌رسد که به توکل به خدا ختم می‌شود. آیه قرآن نیز بر اهمیت توکل بر خدا تأکید دارد و این هم‌راستایی، نشان‌دهنده یکپارچگی در فلسفه زندگی دینی و انسانی است.

-دورتر آن سوتر

دایره در مه

ماه و خورشید به هم آغشته

کوه‌ها سرگردان، آشفته

و زمینش دیگر

و زمانش دیگر

آسمانش را خورشیدی نیست. (هراتی، ۱۳۶۴: ۱۲۷)

در اینجا، توصیف «دورتر آن سوتر» و «زمینش دیگر» نشان‌دهنده تغییرات عمیق در جهان است. این تغییرات می‌توانند به نوعی به تحولات عظیم کیهانی یا اجتماعی اشاره کنند. در آیه قرآن نیز به دگرگونی‌های بنیادین و نابودکننده‌ای اشاره می‌شود که در روز قیامت رخ خواهد داد. شاعر با عباراتی چون «کوه‌ها سرگردان، آشفته» وضعیت آشفته و بی‌نظم در جهان را به تصویر کشیده است. این تصویر به نوعی به بی‌ثباتی و عدم امنیت

هم اشاره دارد. در آیه قرآن نیز با اشاره به دگات زمین و کوه‌ها، تصویری از بی‌نظمی و آشفتگی در روز قیامت به نمایش گذاشته می‌شود. این هم‌پوشانی در معانی نشان‌دهنده‌ی نگرانی مشترک درباره‌ی وضعیت جهان و پیامدهای آن است. از نظر اجتماعی، هر دو متن می‌توانند بازتاب‌دهنده‌ی نگرانی‌های جمعی درباره‌ی تغییرات اجتماعی، سیاسی یا محیطی باشد.

۳-۵ ایدئولوژی و قدرت

گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی رابطه پیچیده و متقابل میان ایدئولوژی و قدرت می‌پردازد. در این رویکرد، ایدئولوژی به عنوان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها در نظر گرفته می‌شود که نه تنها تفکر و رفتار افراد را شکل می‌دهد، بلکه بر ساختارهای اجتماعی و سیاسی نیز تأثیر می‌گذارد. از نظر فرکلاف ایدئولوژی عبارت است از: معنا در خدمت قدرت. (یورگنسن، ۱۳۷۹: ۱۳۰) فرکلاف معتقد است که زبان نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط است، بلکه ابزاری برای اعمال قدرت نیز به شمار می‌آید. گفتمان‌ها به شکل‌دهی به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی کمک می‌کنند و از این طریق، قدرت را تولید و بازتولید نمایند. به عبارت دیگر، آنچه گفته می‌شود و چگونه گفته می‌شود، بر توزیع قدرت در جامعه تأثیر می‌گذارد. ایدئولوژی‌ها به افراد هویت می‌دهند و نحوه‌ی دیدن و درک آن‌ها از جهان را شکل می‌دهند. این هویت‌ها به تقویت یا چالش ساختارهای قدرت موجود کمک می‌کنند. «هدف تحلیل گفتمان انتقادی تبیین قدرت و سلطه پنهان در زبان است. در این رویکرد زبان محمل انتقال، تولید، بازتولید و تداوم یا حذف و تغییر قدرت است. قدرتی که به طور ایدئولوژیک در لایه‌های زبان پنهان است و تحلیل گفتمان انتقادی قصد دارد ضمن تحلیل نظام درونی زبان، از راه تفسیر و تبیین شالوده‌های سیاسی - اجتماعی مؤثر بر ساختاری و شکل‌بندی و صورت‌بندی زبان ماهیت رابطه‌ای گفتمان و قدرت و ایدئولوژی را آشکار سازد.» (مرتضایی، ۱۴۰۱: ۵۴)

فرکلاف بر وجود گفتمان‌های متضاد تأکید دارد که هر یک سعی در مشروعیت‌بخشی به خود دارند. این گفتمان‌ها در سطوح مختلف (اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) با یکدیگر

رقابت می‌کنند و بر نحوه‌ی فهم و تفسیر واقعیت تأثیر می‌گذارند. در این راستا، ایدئولوژی‌ها به عنوان ابزارهایی برای تقویت گفتمان‌های خاص عمل می‌کنند. گفتمان انتقادی فرکلاف شامل شناسایی و تحلیل چگونگی شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها و تأثیر آن‌ها بر رفتار اجتماعی و سیاسی است. فرکلاف بر این باور است که شناخت ایدئولوژی‌های حاکم، به چالش کشیدن آن‌ها و ایجاد تغییرات اجتماعی کمک می‌کند. او تأکید دارد که برای درک کامل ایدئولوژی‌ها و قدرت، باید به بافت‌های اجتماعی و تاریخی توجه کرد.

و یک مجله خارجی

از قول یک فیلسوف خوشبخت

که از پنج سالگی تا هنوز «فراک» می‌بندد

نقل کرد:

انسان حیوان ناطقی است

که شراب می‌خورد

و دانس می‌رقصد»

امروز

این تازه‌ترین تعریف انسان است

زمین

در کویرستانی خفته است

و تو تنها چشمه سار روشن این غربت رو به زوالی

تو همان بلالی

که از مأذنه این شوره زار

بانگ محمدی می‌افشانی. (هراتی، ۱۳۶۸: ۳۱)

۶- تبیین

عامل اصلی و موثر بر فضای شعری شاعر و ابعاد ایدئولوژیک آن را می‌توان در نابسامانی اوضاع سیاسی و دخالت‌ها و رقابت‌های آشکار و پنهان عوامل خارجی در ایران و ضدیت تفکر با آمریکا و نظام لیبرالی و سرمایه‌داری جستجو کرد. «رابطه گفتمان‌ها با فرآیندهای مبارزه و مناسبات قدرت موضوع بحث مرحله سوم یعنی تبیین

است.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۴) برای تبیین گفتمان تصاویر شعری هراتی به موارد زیر می-
توان اشاره نمود:

- مفهوم بخشی ایدئولوژیک به نظام جدید اسلامی به عنوان نظام الهی.
 - غیرطبیعی سازی ماهیت برنامه های حکومت طاغوتی پهلوی.
 - مخالفت با نظام استکبار، ضدیت با تفکرات غربی و مبارزه با رویکرد استثمار.
 - مخالفت با تفکرات اجتماعی به جا مانده از حکومت گذشته مثل نظام ارباب-رعیتی
 - استفاده از تصاویر درختان، گل ها و طبیعت، روستا و فصول سال مخصوصاً بهار.
 - استفاده از مضامین و مفاهیمی چون شهید و شهادت، عدالت، جنگ و دفاع، مقدس، وطن دوستی، دین یابوری و مذهب، امام و انقلاب، انتظار موعود و عشق.
 - استفاده شاعر از واقع گرایی و صراحت بیان.
- «تبیین نشان می دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می بخشند. همچنین گفتمان ها چه تأثیرات بازتولیدی می توانند بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می شوند؛ بنابراین تبیین، عبارت است از دیدن گفتمان به عنوان جایی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵)

۷- نتیجه

نظریه نورمن فرکلاف به سبب قابلیت اشتغال بررسی گفتمان در سطوح خود و کلان، از جامعیت لازم برای شناخت و بازکاوی تصاویر شعری دارا است. به عبارت دیگر در پرتو این نظریه، تصاویر شعری را به طور همزمان می توان از دو جهت بلاغی و اجتماعی تحلیل و بررسی کرد. تحلیل گفتمان انتقادی شعرهای سلمان هراتی در دو دفتر «از آسمان سبز» و «دری به خانه خورشید» با استفاده از نظریه نورمن فرکلاف، نشان دهنده عمق و پیچیدگی زبانی این شاعر در انتقال مفاهیم اجتماعی و فرهنگی است. هراتی با بهره گیری از واژگان و تصاویر خاص، نه تنها احساسات و تجربیات شخصی خود را به تصویر می کشد، بلکه به نقد و بررسی مسائل اجتماعی، سیاسی و زیستی نیز می پردازد.

با توجه به رویکرد فرکلاف می‌توان دریافت که زبان در شعر هراتی به عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به ایدئولوژی‌ها و روابط قدرت عمل می‌کند. انتخاب‌های زبانی او، از جمله استعاره‌ها و تصاویر به خواننده این امکان را می‌دهد که به عمق معانی نهفته در متن پی ببرد و از طریق آن به تحلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم بپردازد.

به طور کلی، این تحلیل نشان داد که شعر هراتی نه تنها یک اثر هنری است، بلکه یک گفتمان پویا و انتقادی است که به فهم عمیق‌تری از شرایط انسانی و اجتماعی منجر می‌شود و در خدمت زیست اجتماعی مردمان جامعه قرار می‌گیرد. تصاویر شعری در سطح توصیف و تفسیر دارای خلاقیت‌های بدیع و کم‌نظیر است. در سطح تبیین نیز رویکرد اشعارش نشان می‌دهد که او در پس شعر سرشار از صور خیال خود، رویکرد انتقادی به امور اجتماعی و گاهی نیز در امور سیاست دارد. دین، مذهب، دفاع مقدس، جبهه، شهید و شهادت بسامد بسیار بالایی در اشعار او دارد. در بافت موقعیتی، وقوع انقلاب اسلامی و بروز جنگ تحمیلی سبب شده است که هراتی بدون ابهام و لکت آنچه که در اندیشه و ذهن دارد، بیان نماید. در بررسی بینامتنیت، شعر او تحت تأثیر آموزه‌های قرآنی و مذهبی است و او در نقطه‌ی تقابل با امپریالیست و آمریکا و نظام سرمایه‌داری قرار دارد. از این رو، اشعار او همچنان در کانون توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان به ادبیات قرار دارد و قابلیت الهام‌بخشی نسل‌های آینده را دارا می‌باشد.

منابع

- ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۳). فن بیان در آفرینش خیال، چاپ اول، تهران: نشر امیرکبیر.
- حسینی سروری، نجمه. (۱۳۹۳). تحلیل انتقادی گفتمان قصیده‌ای از سنایی غزنوی، «کهن‌نامه‌ی ادب پارسی»، سال ۵، شماره‌ی ۱، صص ۶۷-۹۰.
- خسروی نیک، مجید. (۱۳۹۷). گفتمان، هویت و مشروعیت: خود و دیگری در بازنمایی پرونده هسته‌ای/ایران، ترجمه نیلوفر آقاابراهیمی، قم: لوگوس.
- سکاکی، ابویعقوب یوسف بن ابوبکر. (۱۴۰۷). مفتاح‌العلوم، دارالکتب العلمیة

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *ادوار شعر فارسی*، چاپ اول، تهران: نشر سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). *بیان*، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵). *فرهنگ تلمیحات*، چاپ پنجم، تهران: چاپ مجید.
- صابری مقدم، سید سعید و شریفیان، مهدی. (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی گفتمان انوری در قطعه والی گدا بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف، «مجله شعر پژوهی بوستان ادب»، دانشگاه شیراز، شماره اول، صص ۱۴۲-۱۱۹.
- فاطمی، حسین. (۱۳۷۹). *تصویرگری در غزلیات شمس*، چاپ دوم، تهران: نشر امیرکبیر.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فقیه ملک مرزبان، نسرين و فردوسی، مرجان. (۱۳۹۳). تحلیل انتقادی گفتمان صوفیانه در گلستان سعدی، «کهن‌نامه ادب فارسی»، سال پنجم، شماره سوم، صص ۸۷-۱۲۰.
- قنبری، رضا و فیروزیان، آیلین. (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان انتقادی رمان چشم‌هایش از بزرگ علوی بر اساس نظریه نورمن فرکلاف، «فصلنامه علمی زبان پژوهی»، سال سیزدهم، شماره ۴۰، صص ۱۱۵-۱۴۲.
- کریستوا، ژولیا. (۱۳۸۹). *فردیت اشتراکی*، ترجمه مهرداد پارسا، چاپ اول، تهران: روزبهان.
- محقق، عبدالمجید. (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان انتقادی در کشف‌المحجوب هجویری (بر اساس نظریه نورمن فرکلاف)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج.
- مرتضایی، سیدجواد. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر برون‌متن بر تصاویر شعری احمد شاملو بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی.
- نظری، ماه. (۱۳۹۸). بررسی اشعار سلمان هراتی در پردازش معنا و تصویر، «فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی»، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۶۲-۱۳۷.
- نظری، ماه و نیک‌آیین، لیدا. (۱۳۹۴). بررسی نمادها در اشعار سلمان هراتی، «زیبایی‌شناسی ادبی»، دوره ۶، شماره ۲۵، صفحه ۱۴۲-۱۲۳.
- ون‌دایک، تئون‌ای. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، ترجمه‌ی پیروز ایزدی و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هراتی، سلمان. (۱۳۶۴). *از آسمان سبز*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- هراتی، سلمان. (۱۳۶۸). *دری به خانه خورشید*. تهران: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۱). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ بیستم، تهران: نشر هما.

- یورگسن، ماریان و فلیپس، لوئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

Resources

Sarvatiyan, Behrouz. (2004). **The Art of Eloquence in the Creation of Imagination**, 1st ed., Tehran: Amir Kabir Publishing.

• Hosseini-Sarouri, Najmeh. (2014). "Critical Discourse Analysis of a Poem by Sana'i Ghaznavi," **Kohannameh of Persian Literature**, Vol. 5, No. 1, pp. 90-67.

• Khosravi Nik, Majid. (2018). **Discourse, Identity, and Legitimacy: Self and Other in the Representation of Iran's Nuclear Case**, translated by Niloufar Aghaei Baraghani, Qom: Logos.

• Sakkaki, Abu Ya'qub Yusuf ibn Abubakr. (2028). **Miftah al-Ulum**, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

• Shafiei Kadkani, Mohammad-Reza. (2009). **Periods of Persian Poetry**, 1st ed., Tehran: Sokhan Publishing.

• Shamisa, Cyrus. (1991). **Expression**, 1st ed., Tehran: Ferdows Publishing.

• Shamisa, Cyrus. (1996). **Dictionary of Allusions**, 5th ed., Tehran: Majid Printing.

• Saberi Moghadam, Seyyed Saeed and Sharifian, Mahdi. (2023). "Critical Discourse Analysis of Anvari's Poem 'Vali Geda' Based on Norman Fairclough's Approach," **Bustan Adab Poetry Research Journal**, University of Shiraz, No. 1, pp. 142-119.

• Fatemi, Hossein. (2000). **Illustration in the Ghazals of Shams**, 2nd ed., Tehran: Amir Kabir Publishing.

• Fairclough, Norman. (2000). **Critical Discourse Analysis**, translated by Fatemeh Shayesteh Pirani et al., 1st ed., Tehran: Center for Media Studies and Research.

• Faghih Malek Marzban, Nasrin and Ferdowsi, Marjan. (2014). "Critical Discourse Analysis of Sufi Themes in Saadi's Golestan," **Kohannameh of Persian Literature**, Vol. 5, No. 3, pp. 120-87.

- Ghanbari, Reza and Firouzyan, Ailin. (2021). "Critical Discourse Analysis of Bozorg Alavi's Novel 'Chashm-hayesh' Based on Norman Fairclough's Theory," *Scientific Journal of Language Studies*, Vol. 13, No. 40, pp. 142-115.
- Kristeva, Julia. (2010). *Shared Individuality*, translated by Mehrdad Parsa, 1st ed., Tehran: Rouzbehan.
- Mohagheghi, Abdolmajid. (2016). "Critical Discourse Analysis in the Kashf al-Mahjub by Huwayri (Based on Norman Fairclough's Theory)," Master's Thesis, Yasouj University.
- Mortezaei, Seyyed Javad. (2022). "Examining the Impact of Extratextual Factors on the Poetic Imagery of Ahmad Shamlou Based on Norman Fairclough's Critical Discourse Analysis Theory," Doctoral Dissertation, Ferdowsi University.
- Nazari, Mah. (2019). "Examining the Poems of Salman Harati in Terms of Meaning and Imagery," *Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts*, Vol. 11, No. 4, pp. 162-137.
- Nazari, Mah and Nik-Ayin, Lida. (2015). "Examining Symbols in the Poems of Salman Harati," *Literary Aesthetics*, Vol. 6, No. 25, pp. 142-123.
- Van Dijk, Teun A. (2003). *Studies in Discourse Analysis: From Text Grammar to Critical Discourse Analysis*, translated by Pirouz Izadi et al., Tehran: Center for Media Studies and Research.
- Harati, Salman. (1985). *From the Green Sky*, Tehran: Islamic Propagation Organization's Art Bureau.
- Harati, Salman. (1989). *A Door to the House of the Sun*, Tehran: Islamic Republic of Iran Broadcasting.
- Homayi, Jalal al-Din. (2002). *Rhetorical Techniques and Literary Devices*, 20th ed., Tehran: Homa Publishing.
- Jørgensen, Marianne and Phillips, Louise. (2010). *Theory and Method in Discourse Analysis*, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing.